

کاربست نظریه یوری لوتمان در تحلیل فرهنگ غالب بر کشورهای عربی

زهره قربانی مادوانی^۱

چکیده:

ارتباط بین زبان و فرهنگ بر هیچ کس پوشیده نیست. درواقع از طریق تحلیل زبان و استخراج فکت‌ها و نشانه‌های موجود در آثار یک نویسنده می‌توان فرهنگ جامعه آن نویسنده را شناخت. در میان نظریات نشانه‌شناسی جدید، نظریه یوری لوتمان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. او فرهنگ را کل رفتارهای معنادار انسان می‌داند و معتقد است فرهنگ در تقابل با طبیعت معنا پیدا می‌کند. از این رو با تحلیل این نظریه و مؤلفه‌های آن می‌توان فرهنگ جامعه یک نویسنده را شناخت. این مقاله سعی دارد به روش توصیفی-تحلیلی چندین رمان معاصر را مورد بررسی قرار دهد و مؤلفه‌های فرهنگ جامعه عرب را از طریق زبان و با تکیه بر نظریه یوری لوتمان استخراج و تحلیل نماید. نتایج این بررسی نشان داد که آنچه بر برخی از جوامع عربی حاکم است، فضای سنتی با افکار بسته و قدیمی است که در قالب طبیعت معرفی می‌شود و فرهنگ را به عنوان یک رفتار معنادار و دارای قانون و معنا بر نمی‌تابد.

واژگان کلیدی: یوری لوتمان، فرهنگ، رمان معاصر عربی

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، zghorbani@atu.ac.ir

مقدمه:

نشانه‌شناسی به معنای علم نشانه‌ها است و نشانه به چیزی اطلاق می‌شود که به معنایی غیر از خودش دلالت کند. به‌طور کلی هرگاه یک کلمه به‌جای دلالت بر معنای اصلی‌اش به معنایی دیگر دلالت کند، نشانه خوانده می‌شود. نشانه‌شناسی دارای انواعی است که در این میان نشانه‌شناسی فرهنگی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است چراکه از رابطه بین فرهنگ و زبان پرده برمی‌دارد و از طریق آن می‌توان فرهنگ حاکم بر یک جامعه را شناخت و مؤلفه‌های آن را استخراج کرد. نشانه‌شناسی فرهنگی توسط یوری لوتمان و از دل مکتب تارتو-مسکو بروز پیدا کرد؛ و در آن از تقابل‌های دوگانه‌ای سخن به میان آمد که مهم‌ترین آن‌ها تقابل فرهنگ و طبیعت است و این تقابل طبیعت و فرهنگ خود دارای انواعی است که به کمک آن‌ها می‌توان، مؤلفه‌های فرهنگی یک جامعه را دریافت و مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. در این مقاله سعی می‌شود با روش توصیفی-تحلیلی این الگوها را در ابتدا معرفی کرد سپس به کمک مؤلفه‌های آن‌ها شناختی از جامعه و فرهنگ عربی به دست دهیم که این فرهنگ در رمان‌ها نمود یافته است. همچنین این مقاله تلاش می‌کند تا پاسخی برای سؤال زیر پیدا کند:

کاربست نظریه یوری لوتمان در زمینه تحلیل فرهنگ عرب به چه صورت است؟

برای دست یافتن به پاسخ این سؤال، لازم است چندین رمان از رمان‌های معاصر عربی را بر طبق سه مؤلفه طبیعت و فرهنگ، دیگر و خود و آشوب و نظم بررسی کرده سپس از مجموعه آن بررسی‌ها، فضای حاکم بر جامعه عرب را کشف کرد. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است و از چگونگی ارتباط بین نظریه یوری لوتمان و تحلیل فرهنگ جامعه عرب سخنی به میان نیامده است؛ بنابراین همین جدید بودن موضوع، بر اهمیت انجام این تحقیق می‌افزاید.

پیشینه تحقیق:

کاربست نظریه یوری لوتمان در تحلیل فرهنگ غالب ... ۲۴۷

در زمینه ارتباط بین زبان و فرهنگ و نظریه یوری لوتمان پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است اما درباره کاربرد این نظریه در تحلیل فرهنگ جوامع عربی، تاکنون تحقیقی انجام نشده است.

نشانه‌شناسی فرهنگی:

نظریه اصلی لوتمان در نشانه‌شناسی فرهنگی نمود می‌یابد. این نشانه‌شناسی فرهنگی که در سال ۱۹۷۳ متولد شد. بر اساس سنت‌های درونی و با اندوخته دستاوردهای صورت‌گرایی روسی و حلقه زبان‌شناسی پراگ از ساختارگرایی فاصله گرفت. از این جهت می‌توان آن را تحول نشانه‌شناسی ساختارگرای فرانسوی به الگوی پسامختارگرایی مقایسه کرد (توروپ؛ سجودی، ۱۳۹۰: ۳۰).

نشانه‌شناسی فرهنگی، شاخه‌ای از نشانه‌شناسی است (پوسنر؛ شاه طوسی، ۱۳۹۰: ۵۷) و مطالعه الگوهای را در بر می‌گیرد که روابط متقابل فرهنگ‌ها را تحلیل می‌کند (سنسون؛ سجودی، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

مکتبی که یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های آن انتشار مجله نظام‌های نشانه‌ای بود. این مکتب در ابتدا به تفسیر تاریخ روسیه توجه داشت، ولی بعدها به همّت نشانه‌شناسان آلمان و آمریکای شمالی گسترش یافت. نشانه‌شناسی فرهنگ به سختی‌های برقراری ارتباط میان فرهنگ‌های گوناگون و فرهنگ‌های مهاجر می‌پردازد (نجومیان، ۱۳۹۶: ۴۲).

و دانش مطالعه رابطه کارکردی بین نظام‌های نشانه‌ای درگیر در فرهنگ است که نشان می‌دهد نظام‌های نشانه‌ای فقط در ارتباط با یکدیگر و در تأثیر متقابل با یکدیگر عمل می‌کنند. (توروپ؛ سجودی، ۱۳۹۰: ۲۳).

دوره مطالعات ادبی در آثار لوتمان با انتشار دو کتاب ساختار متن هنری و تحلیل متن شاعرانه، ساختار نظم به پایان می‌رسد. در سال ۱۹۷۰ دو جزوه منتشر کرد که حاوی مقالاتی درباره رده‌شناسی فرهنگ بود که خود نشانه تغییر موضع به پارادایم نشانه‌شناسی فرهنگی است (همان: ۲۴). لوتمان در مقاله «نشانه‌شناسی فرهنگی و مفهوم متن» مفهوم کشف رمز یا رمزگشایی متن را

با اصطلاح ارتباط جایگزین می‌کند و با توصیف گردش متون در فرهنگ و روابط بین متن و خواننده رده‌شناسی فرایندهای متفاوت و البته مکمل را تدوین می‌کند: ارتباط بین خطاب دهنده و مخاطب، ارتباط بین مخاطب و سنت فرهنگی، ارتباط خواننده با خود، ارتباط خواننده با متن، ارتباط بین متن و سنت فرهنگی. بر مبنای این رده‌شناسی کارکردهای نشانه‌شناختی متون عینی به موضوع نشانه‌شناسی فرهنگی شکل می‌دهد اما نشانه‌شناسی فرهنگی که توسط او مطرح شد به کفایت دارای ویژگی‌های یک نظریه عام است اما در کاربرد هنوز طبیعت‌گرایانه است؛ یعنی با فرهنگ روسی در ارتباط است. این پیوند هم در متون و هم در فرایند دریافت مشهود است (همان: ۲۶). او نقش فرهنگ را در نشانه‌شناسی را مورد توجه قرار داد (لیونبرگ؛ امراللهی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)، و در آن از الگوهای رایج در ساختارگرایی؛ همچون تقابل‌های دوگانه سخن گفت؛ اما این شیوه هرگز ساختارگرایی مطلق تلقی نشد. کوتاه‌سخن آنکه پارادایم نشانه‌شناسی فرهنگی؛ مانند رویکرد پساساختارگرا به دنبال یافتن مشابهت‌ها برای ترسیم چارچوبی کلی و فراگیر نیست، بلکه تلاش می‌کند به تفاوت‌ها و تمایزات، به‌ویژه تفاوت‌های فرهنگی نیز توجه داشته باشد (نامور مطلق، ۱۳۸۹: ۱۹).

لوتمان از نخستین آثارش فرهنگ را در دو جایگاه به کار برده است یکی فرهنگ به مثابه نظام کلی، دیگر فرهنگ به مثابه نظام جزئی؛ بنابراین فرهنگ در تقابل‌هایی دوتایی عموماً در برابر واژه طبیعت درک می‌شود. پاکتچی می‌گوید فرهنگ در برابر طبیعت در مکتب مسکو-تارتو همانندی است با الگوی الف: امری ناظر به طبیعت به معنای لغوی در برابر امری ناظر به جنبه‌های فراطبیعی زندگی انسان

ب. امری ناظر به نظام بندی در برابر خائوس یا بی‌نظمی

ج. امری به مثابه وضعیت خود در برابر بربریت به مثابه دیگری (پاکتچی، ۱۳۸۳: ۱۸۵-۱۸۲).

الگوی طبیعت و فرهنگ:

تقابل طبیعت و فرهنگ در این مقاله به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه نشانه‌شناسی فرهنگی است که یوری لوتمان در دهه ۱۹۷۰ آن را مطرح کرد. هدفش تدوین الگویی ضمنی است که هر

عضو فرهنگ، درونه کرده است لذا بدیهی است که در موارد متعارف، اعضای هر فرهنگ خود را داخلی (خودی) و اعضای دیگر فرهنگ‌ها را بیرونی (غیرخودی) در نظر می‌گیرند. در سمت خودی، زندگی منظم و معنادار و بیرون از آن آشوب و بی‌نظمی است که درک آن ناممکن است. همچنین معمولاً خودی بسیار ارزشمند تلقی می‌شود (سنسون؛ سجودی، ۱۳۹۰: ۷۶). از منظر این نشانه‌شناسی، فرهنگ یک دستگاه پیچیده نشانه‌ای است، یک نظام پیچیده دلالت که از طریق رمزگان‌های اصلی و ثانوی درونه شده‌اش گستره معنایی را می‌آفریند و امکان مبادله معنا را فراهم می‌کند و درواقع دربرگیرنده کل رفتارهای معنادار انسان و رمزگان‌هایی است که به آن رفتارها ارزش می‌بخشد و آن‌ها را قابل درک می‌کند (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

الگوی آشوب و نظم:

تقابل آشوب و نظم یکی دیگر از دوگانه‌های نشانه‌شناسی فرهنگی است. درباره پیشینه آشوب و نظم می‌توان گفت که آغاز جهان پیش از فعالیت خدایان در باور یونانیان باستان با وضعیت آشوب همراه بود؛ و این خدایان بودند که نظم را پدید آوردند (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۹۰).

و در سده‌های اخیر واژه یونانی «خائوس» به معنای آشوب با تلفظ‌های گوناگون و «لوگوس» به معنای نظم به بحث‌های کلیدی در بحث‌های زبان‌شناسی تبدیل شده‌اند؛ و در اواخر سده شانزدهم میلادی خائوس در زبان فرانسه به معنای «آمیختگی و بی‌نظمی کامل» به کار می‌رفت؛ و در زبان آلمانی این واژه به معنای «حالتی فاقد هرگونه نظم» و «درهم و برهمی کامل» به کار رفته است (همان: ۹۰-۹۱).

پاکتچی، آشوب و نظم را چنین تعریف می‌کند:

آشوب: وضعیت مجموعه‌ای از اجزا که همراهی آن‌ها از معیار تمایز و سامان پیروی نمی‌کند؛ و نظم: وضعیت مجموعه‌ای از اجزا که همراهی آن‌ها از معیار تمایز و سامان پیروی می‌کند (همان: ۹۳).

الگوی خود و دیگر:

این الگو به شکل‌های مختلفی بیان شده است. پاسکل، از آن به «آشنایان و بیگانگان»، «بومیان و مهاجران» و برخی دیگر با عبارت «ما و آن‌ها» یاد می‌کنند. پژوهشگر دیگری نیز آن را با «درونی‌ها و بیرونی‌ها» توضیح می‌دهد (درزی و پاکتچی، ۱۳۹۳: ۳۹).
لوتمان می‌گوید: هر فرهنگی با تقسیم جهان به فضای درونی «من» و فضای بیرونی «آن‌ها» آغاز می‌شود (معین، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

بنابراین فضای درونی فرهنگ خودی است و حکم اول شخص را دارد و فضای بیرونی فضای دیگری است و حکم سوم شخص را دارد.

تکیه لوتمان در برابری دیگر-خود با الگوی طبیعت و فرهنگ بر این باور باستانی یونانی متکی است که یونانیان را به عنوان هلنس در برابر مردمان یونانی نابلد قرار می‌داد که نزد یونانیان بارباروس (بربر) خوانده می‌شدند (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۱۹۰).

و به گفته پاکتچی در برخی متون، الگوی «خود» و «دیگر» با الگوی نظم و آشوب همپوشی بسیار یافته است (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۹۹).

لوتمان در سیر مطالعاتش به این نتیجه رسید که رمزگانی که در فرهنگ شناخته می‌شود بسیار پیچیده‌تر از رمزگانی است که در زبان عمل می‌کند (تورپ؛ سجودی، ۱۳۹۰: ۲۱).

تحلیل الگوی طبیعت و فرهنگ:

برای تحلیل این مؤلفه رمان «موسم الهجرة إلى الشمال» از محمدحسن هیکل که اولین رمان عربی است، استفاده می‌شود. این رمان در سال ۲۰۰۱ میلادی از طرف آکادمی ادبیات عربی دمشق به عنوان مهم‌ترین و برترین رمان عربی قرن بیستم انتخاب شد و در سال ۲۰۰۲ م در لیست صد رمان برتر جهان عرب قرار گرفت (شاهین، ۱۹۹۶: ۱۰۷). داستان با یک روستایی جوان آغاز می‌شود که تازه از تحصیل در انگلستان بازگشته و با مصطفی سعید که از او مسن‌تر است آشنا شده است. این روستایی جوان متوجه تفاوت رفتارهای مصطفی سعید با دیگر اهالی روستا می‌شود، در نتیجه تصمیم می‌گیرد سر از راز و رمز زندگی او درآورد؛ اما مصطفی سعید، در روزی که رود نیل طغیان می‌کند،

ناپدید می‌شود و همگان فکر می‌کنند که او غرق شده است. مصطفی سعید با بازگو کردن بخشی از گذشته زندگی خویش در اروپا و ارتباطش با چهار زن اروپایی و فراهم کردن اسباب خودکشی یا قتل آن‌ها، در نامه‌ای، راوی را به‌عنوان وصی خود انتخاب نموده و مسؤولیت خانواده‌اش را به او سپرده است. او حتی کلید اتاق آجری قرمزرنگ با پنجره‌های سبز و سقف مستطیل شکل که تا آن زمان کسی جز خودش وارد آن نشده است را به او می‌سپارد تا شخصیتش را کشف کند. راوی در باز کردن در اتاق تعلل می‌ورزد تا اینکه حسنه، همسر مصطفی سعید که به‌اجبار به همسری پیرمردی به نام ودالریس درمی‌آید، دست به خودکشی می‌زند. راوی که از این موضوع عصبانی است و خودش را مقصر می‌داند، به‌سرعت وارد اتاق مذکور می‌شود به این امید که معمای مصطفی سعید را کشف کند؛ اما با اتاقی اروپایی و شگفت‌آور مواجه می‌شود و بعد از خواندن یادداشت‌ها، از شدت سرگشتگی تن به پهنه نیل می‌سپارد و تا مرز غرق شدن پیش می‌رود؛ اما ناگهان میل به زندگی در او بیدار می‌شود و کمک می‌طلبد و بدین ترتیب داستان با پایانی باز به پایان می‌رسد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ و طبیعت در این رمان، صحرای سودان، اتاق‌های ترسیم‌شده، ازدواج، قتل‌ها، زن‌ها و مردان هستند که مفهوم نسبی دارند. به‌گونه‌ای که مرد به‌عنوان نماد فرهنگ گاهی به سمت طبیعت و زن به‌عنوان نماد طبیعت گاه به‌سوی فرهنگ می‌گراید. از دیدگاه الگوی طبیعت، ودالریس (شخصیت اصلی در روستا)، نماد طبیعت و از منظر الگوی فرهنگ، جین موریس (زن غربی) نماد فرهنگ محسوب می‌شوند.

مؤلفه‌های طبیعت و فرهنگ در این داستان کارکردهای یکسانی دارند. به‌طوری‌که راوی با ترسیم طبیعت سودان، توصیف اتاق حاج احمد و با تمرکز بر ازدواج‌های متعدد ودالریس و بنت مجذوب، به این موارد کارکردی از جنس الگوی طبیعت بخشیده است. در مقابل نیز برای نشان‌دادن غلبه الگوی فرهنگ بر الگوی طبیعت در غرب، بر توصیف شخصیت‌های هموند و شیلا تکیه می‌کند. مؤلفه الگوی فرهنگ حتی در عنوان رمان «موسم الهجرة إلى الشمال» نیز به چشم می‌خورد؛ بنابراین همه زنان غربی، نمایندگان فرهنگ و بنت مجذوب از زنان روستا نیز نماینده گرایش به الگوی فرهنگ معرفی شده‌اند.

- نویسنده به خوبی توانسته است نشان دهد که مؤلفه حاکم بر جامعه سودان و به ویژه روستا، الگوی طبیعت محض چه در نوع ازدواج و چه در معرفی شخصیت هاست، و مؤلفه حاکم بر دنیای غرب، الگوی فرهنگ است؛ اما مصطفی سعید در جایگاه شخصیت اصلی داستان که در بطن طبیعت زندگی می کند، بنا بر تفاوت های ذاتی خود با دیگران با فاصله از طبیعت به سوی فرهنگ حرکت می کند. این دوری از طبیعت موجب سرگشتگی او می شود؛ تسلی خاطر او، اتاقی با ویژگی های طبیعی است که سرگشتگانی از دنیای فرهنگ را مجذوب می کند. هر چند طبیعت مصطفی سعید در پی ضربه زدن به دنیای فرهنگ است. او با آنکه در دنیای فرهنگ زندگی می کند و جایگاه برجسته و مورد قبولی یافته است، اما با کینه ای که از این دنیا در دل دارد تلاش می کند با سبکی طبیعی به دنیای فرهنگ حمله کند. در حقیقت، جنگی بین طبیعت و فرهنگ در حال وقوع است. نمایندگانی از دنیای فرهنگ که میل به طبیعت در آنان زنده است - هر چند با واسطه - قربانی مصطفی سعید می شوند. او چنان ایشان را در حیرت فرومی برد که حیرت، آنان را به دامن مرگ می کشد. در این میان، نماینده ای از دنیای فرهنگ، جین موریس، نیز به جنگ با او برخاسته است و او را حقیر می شمارد. هر چند شیفته طبیعت اوست، فرهنگ منحن خود را به پای دنیای او نمی ریزد. او در نهایت در میانه این کارزار خود را تسلیم طبیعت می کند تا او را قربانی کند. او طبیعت را نیز در کام مرگ فرورفته می طلبد؛ اما طبیعت همچنان پابرجاست و نمایندگانی از فرهنگ به این طبیعت زخم خورده از فرهنگ کمک می کنند تا باقی بماند. ساحل نجات و آرامش او در دل طبیعت پاک است. او که در تلاطم امواج سهمگین دشمنی و کینه ورزی با فرهنگ، هر روز خردتر می شد و پذیرای مرگ بود، اکنون در دامن ساده و بی آرایش طبیعت نیل آرام گرفته است.

تحلیل الگوی آشوب و نظم و الگوی خود و دیگر:

برای تحلیل و بررسی این الگو رمان «الریع العاصف» از نجیب الکیلانی می تواند بهترین گزینه باشد. حادثه اصلی داستان، تصویری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه روستا و دردها و رنج های روستاییان و به تصویر کشیدن مقوله ترس در نزد هریک از شخصیت ها مخصوصاً شخصیت منال

است. منال مامایی است که از شهر به روستا می‌آید. در شروع کارش در درمانگاه، سلسله گفتگوهای داستانی درباره مشکلات و مصیبت‌های روستاییان شکل می‌گیرد؛ و در کنار توصیف روستا، آفت و مشکلات آن، از عشق و علاقه شخصیت‌های داستان سخن به عمل می‌آید. کیلانی ضمن توصیف دقیق هر یک از شخصیت‌های داستان، از طرز تفکر و احساسات درونی آن‌ها سخن می‌گوید؛ اما پس از مدتی مسائل و مشکلاتی در روستا رخ می‌دهد که باعث می‌شود منال احساس ترس کند و به شهر بازگردد و دیگر به روستا نیاید.

مهم‌ترین مسئله‌ای که در این رمان به چشم می‌خورد، ترس قهرمان رمان یعنی منال است. مسئله ترس یعنی اثبات وجود دیگری. از این رو می‌توان مؤلفه ترس را به عنوان یک دیگری در این رمان مورد بررسی قرار داد. ترس مقوله‌ای است که آرامش فرهنگ را در قالب طبیعت به خطر می‌اندازد؛ و در دوگانه‌ای تقابلی نشانه‌شناسی فرهنگی ترس، می‌تواند هم طبیعت باشد و هم خائوس و هم بربریت؛ و آنچه خارج از فرهنگ در جهان طبیعت قرار می‌گیرد، دیگری است که فرهنگ، نمی‌تواند آن را درک کند در نتیجه باعث ترس آن می‌شود. در این رمان منال در ابتدا سعی می‌کند در برابر مردان آن روستا که برایش مزاحمت ایجاد کرده‌اند و باعث ترس او شده‌اند، بایستد اما از آنجا که مردان آنجا برای زن ارزشی قائل نیستند و تهدید و جبروت او را جدی نمی‌گیرند او نمی‌تواند بر آن ترس غلبه یابد. در نتیجه در مقام فرهنگ و به مثابه «خود» مغلوب طبیعت و «دیگری» می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که گاهی ترس به مثابه «خائوس» و «دیگری» آن‌چنان قدرت می‌گیرد که فرهنگ را از پا در می‌آورد؛ و او را وادار به پذیرش رفتارهایی می‌کند که روزی برایش بی‌معنا و بی‌نظم بوده است. - از زاویه دید منال همه افرادی که در خارج از قاهره هستند یک دیگری فرض می‌شوند که دامانشان به خائوس موجود در طبیعت (نافرنگ) آغشته شده است. او مردم روستای شرشابه را به رسمیت نمی‌شناسد و آن‌ها را از خود می‌راند؛ بنابراین او به عنوان فرهنگ در برابر شرشابه و افراد آن که نافرنگ (دیگری) هستند قرار می‌گیرد و چون نمی‌تواند آن‌ها را درک کند ترس بر او غلبه می‌کند؛ و ترس او از روستای شرشابه که مظهر آشوب و طبیعت و بربریت است از نوع نگاه فرهنگ خود و نه دیگری است. در واقع فاصله‌ای که منال بین خود و قاهره در یک طرف و روستای شرشابه و مردمش در طرف دیگر در نوع لباس،

حرف زدن، شیوه سلام کردن، طرز تفکر و ... می‌بیند باعث می‌شود که نتواند افراد آنجا را درک کند و با آنان ارتباط گیرد؛ و همین فاصله، زمینه ترس او را فراهم می‌کند؛ و آن‌چنان این ترس در او رخنه پیدا می‌کند که برای رهایی از آن و به آرامش و امنیت دست یافتن، تن به خواسته‌های جسمانی (جنسی) دکتر رمزی می‌دهد که هم فرهنگ اوست و از او ترسی ندارد و به او به چشم دیگری نگاه نمی‌کند؛ بنابراین او نسبت به بقیه در مواجهه با ترس تن به راهکاری می‌دهد که آن را دوست ندارد درواقع ضعف و بی‌پناهی و غریب بودنش از یک سو و زن بودنش از سوی دیگر باعث می‌شود او بدترین راه مقابله با ترس را برگزیند؛ و درنهایت نیز پیشنهاد ازدواج دکتر رمزی را می‌پذیرد و به همراه او روستا را ترک می‌کند.

و نکته دیگری که در این رمان جلوه توجه می‌کند، این است که نویسنده دو فضایی را به تصویر می‌کشد که یکی در اوج تمدن قرار دارد و یکی در قعر جهنم است. در فضای در اوج بربریت و وحشی‌گری، بی‌نظمی، بی‌قانونی، بی‌لباسی و بی‌فرهنگی به چشم می‌خورد و به‌عکس در فضای متمدن، معنا و قانون و نظم حرف اول را می‌زند. نویسنده رمان وقتی می‌خواهد از درد و رنج سخن بگوید از انتهای جهنم سخن می‌گوید که هر کس به آنجا برود سرنوشتی جز مرگ ندارد و او این فضا را در ترسیم سودان به کار می‌برد که در اوج بربریت قرار دارد. در این فضا علاوه بر درد و رنج، از بی‌نظمی آن سخن می‌گوید و اینکه قانونی اجرا نمی‌شود و جاده‌ها ناهموار است و هیچ‌چیز سر جای خود قرار ندارد و کودکان پابرهنه و لخت هستند. در مقابل این فضا، فضای شهر منال قهرمان اصلی رمان را به تصویر می‌کشد که قانونمند و با نظم است و از همین روست که منال وقتی در فضای دوم قرار می‌گیرد نمی‌تواند آن را تحمل کند بنابراین می‌ترسد و رفتارهای اهالی آنجا را بی‌معنا می‌شمارد.

نتایج

نشانه‌شناسی فرهنگی به‌عنوان شاخه‌ای از علم نشانه‌شناسی، دارای سه الگوی طبیعت و فرهنگ، آشوب و نظم، دیگری و خود است. بر اساس این سه مؤلفه و بررسی رمان‌ها، نتایج زیر به دست آمد:

بر اساس مؤلفه طبیعت و فرهنگ - نویسنده به‌خوبی توانسته است نشان دهد که مؤلفه

حاکم بر جامعه سودان و به‌ویژه روستا، الگوی طبیعت محض چه در نوع ازدواج و چه در معرفی شخصیت‌هاست، و مؤلفه حاکم بر دنیای غرب، الگوی فرهنگ است؛ بنابراین تأثیر انسان در طبیعت خوب است؛ اما تا آنجا که آرامش را از انسان سلب نکند و غرق شدن در دنیای دور از طبیعت، حاصلی جز سرگشتگی و حیرت ندارد؛ بنابراین می‌توان با دست‌کاری طبیعت به نحو مناسب به آرامش رسید و زندگی درستی را تجربه کرد.

بر اساس مؤلفه آشوب و نظم می‌توان دریافت که برخی از رمان‌های معاصر عربی دو فضای را به تصویر می‌کشند که در یکی بی‌نظمی و بی‌قانونی، درد و رنج و جهل و بی‌هنری و بی‌معنایی و بی‌قانونی در آن موج می‌زند و دیگری دارای امنیت و رفاه و نظم و قانون و علم و هنر و معناست.

بر اساس مؤلفه دیگر و خود می‌توان دریافت که آنچه بر جامعه سودان و مصر حاکم است قدرت شدید سنت و افکار قدیمی و کهنه است که اندیشه‌های نو و دگراندیشی را برنمی‌تابد و از این روست که وقتی یک فرهنگ روستایی در تقابل با فرهنگ شهری قرار می‌گیرد، نمی‌تواند آن را درک کند همان‌گونه که فرد شهری نیز افراد روستایی را درک نمی‌کند؛ بنابراین برخی از رمان‌های معاصر عربی دو فضای کاملاً متفاوت را به تصویر می‌کشند که یکی نمایانگر فضای خود و دیگری نمایانگر فضای دیگری است و هیچ‌یک طرف مقابل را نمی‌پذیرد و در صدد فاصله گرفتن از آن است؛ اما نکته جالب این است که در این درگیری، طبیعت است که پیروز میدان می‌شود و فرهنگ را مغلوب می‌کند؛ و از همین روست که در این جوامع وقتی یک مرد زن را بکشد به او حق می‌دهند و به دنبال دلیل و اثبات جرم نمی‌روند اما به‌عکس وقتی زن، مرد را می‌کشد او را سرزنش می‌کنند و او را خواهر شیطان می‌خوانند. بدان معناست که دلیل و منطق در این جامعه جایی ندارد و آنچه حاکم است فرهنگ بسته و سنتی است که طبیعت محض شمرده می‌شود.

منابع:

- پاکتچی، احمد. (۱۳۸۳). مفاهیم متقابل طبیعت و فرهنگ در حوزه نشانه‌شناسی مکتب مسکو - تارتو، مجموعه مقالات اولین همایش نشانه‌شناسی هنر (۱۷۹-۲۰۱). به کوشش فرزانه سجودی. تهران: فرهنگستان هنر.
- (۱۳۸۹). معناسازی با چینش آشوب در نظم، در رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی. مجموعه مقالات نقدهای ادبی- هنری. به کوشش امیرعلی نجومیان. تهران: سخن.
- پوسنر، رولان. (۲۰۰۴). اهداف اصلی نشانه‌شناسی فرهنگی، ترجمه: شهناز شاه‌طوسی. مجموعه مقالات نشانه‌شناسی فرهنگی، به کوشش فرزانه سجودی. (۱۳۹۰). تهران: علم.
- توروپ، پیترو. (۱۹۷۳). «نشانه‌شناسی فرهنگی و فرهنگ»؛ ترجمه فرزانه سجودی (۱۳۹۰). مجموعه مقالات نشانه‌شناسی فرهنگی (۱۷-۴۰). تهران: نشر علم.
- درزی، قاسم و پاکتچی، احمد. (۱۳۹۳). نقش ترجمه فرهنگی در مطالعات میان‌رشته‌ای با تأکید بر الگوهای نشانه‌شناسی فرهنگی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ۶، شماره ۴: ۴۹-۳۳.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۵). نشانه‌شناسی کاربردی. ویرایش دوم. تهران: علم.
- سنسون، گوران. (۲۰۰۰). «خود دیگری را می‌بیند، معنای دیگری در نشانه‌شناسی فرهنگی». ترجمه فرزانه سجودی. (۱۳۹۰). مجموعه مقالات نشانه‌شناسی فرهنگی (۱۵۳-۲۰۰). تهران: نشر علم.
- شاهین، محمد. (بی‌تا). الأدب و الأسطورة. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- صالح، الطیب. (۱۹۸۱). موسم الهجرة إلى الشمال. الطبعة الرابعة عشر. بیروت: دار العودة.
- الکیلانی، نجیب. (۱۹۸۸). الربيع العاصف. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- لیونبرگ، کریستینا. (۲۰۰۳). «مواجهه با دیگری فرهنگی». ترجمه تینا امراللهی (۱۳۹۰). مجموعه مقالات نشانه‌شناسی فرهنگی (۱۱۹-۱۵۲). تهران: نشر علم.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی و فرهنگ». مجموعه مقالات نقدهای ادبی- هنری. به کوشش امیرعلی نجومیان (۱-۱۹). تهران: نشر سخن.
- نجومیان، امیرعلی. (۱۳۹۶). نشانه‌شناسی. مقالات کلیدی. چاپ اول. تهران: مروارید.